

مسئله عنوان شود، ولی باید متذکر شد که بعد سیاسی نهضت ملی شدن نفت از اساسیترین ابعاد آن است و درک کامل این نهضت بدون پرداختن به آن امکانپذیر نیست. از اینرو امیدواریم که به همت دیگر بازیگران این دوره حساس تاریخی، آثاری مکمل اثر آقای روحانی پدید آید، ولی تاچنین هنگامی باید بسیاری از استنتاجات ضمنی سیاسی آقای روحانی را با قید احتیاط تلقی کرد. خوانندگان ذی‌علاقه در این مورد می‌توانند به آثار زیر رجوع کنند.

Richard Cottam, *Nationalism in Iran*, (Pittsburg: Pittsburg University Press, 1964).

Majid Tehranian, «Iran» *The Middle East: Its Governments and Politics* (Belmont: Duxbury Press, 1972).

۱۹) برای بررسی سه مرحله تاریخی تکامل بازار نفت، نگاه کنید به محمدعلی موحّد، «نفت، و مسائل حقوقی آن» (تهران ۱۳۴۹) و نقد آن توسط این نگارنده، «بیرسگنج شایگان»، «کتاب امروز»، پائیز ۱۳۵۲

20) *Oil and World Power; A Geographic Interpretation* (London, 1970), 2nd edition, 1972.

۲۱) نگاه کنید به ص ۱۹۴-۱۹۵ نگارنده در مقالات دیگری به این مسئله پرداخته است. رجوع کنید به مجله تحقیقات اقتصادی انگلیسی، شماره تابستان و پائیز ۱۹۷۰ و

Kayhan International, December 4, 1973; April 27 & 28, 1974.

9) Ente Nazionale Idrocarburi (E. N. I.)

10) Pan-American Oil Co.

11) Occidental Oil Co.

۱۲) گرچه با گذشت تاریخ، اصطلاح «جهان‌سوم» بیشتر و بیشتر از محتوی و معنای اقتصادی و سیاسی خالی گشته است، کاربرد آن در اینجا صرفاً اشاره‌ای به یک نوع وحدت‌روانی دنیای استعمار-زده افریقا، آسیا و امریکای لاتین است. برای توضیحات بیشتری در این باره، رجوع کنید به مجید تهرانیان، «ابعاد انسانی توسعه: در جستجوی جهان سوم»، تهران، ۱۳۵۳.

13) Supro

14) Idemitsu

15) *The New York Times*, May 10, 1953, As Quoted by Jerrald L. Walden, «The International Petroleum Cartel in Iran: Private Power and Public Interest», *Journal of Public Law*, Vol. II, No. 1 (Spring 1962).

16) *The Times* (London), 25, September, 1953, 10;1, as quoted by C. H. Lunding, «Disinterest to Commitment», Mss.

۱۷) شمشیرهای (384/383-322 B.C.) Demosthenes، خطیب نامی یونانی، شمشیرهایی بود که وی در تمرین سخنوری به اطراف خود آویخته بود و آزادی‌حرکات او را از هر طرف محدود می‌کرد. ۱۸) از آنجا که آقای روحانی از ورود مستقیم به جنبه‌های سیاسی این جریان پرهیز کرده است بجا نیست که در این نقد این بعد از

دستور زبان فارسی

نوشته پرویز ناتل خانلری

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱

۳۶۷ صفحه

دستور يك استاد

غلامرضا ارژنگ

گرفته و سپس بخش پنجم و ششم که «مقالات کوناگونی است... که هر يك به مناسبتی نوشته شده» بدان افزوده شده است. از آنجا که تاریخ نگارش و منظور از نگارش هر يك از بخشها مختلف بوده ناچار بسیاری از مطالب کتاب تکرار شده است و به سبب منظورهای مختلف نویسنده، در تنظیم و تدوین مطالب کتاب روش واحد و دید ثابتی به کار نرفته است. مثلاً در بخش اول، مثالها عموماً از نثر امروز است، ولی در بخش دوم جسته جسته مثالهایی از شعر و نثر قدیم هم می‌آید و در بخش سوم، مثالها از شعر (وگاهی نثر) قدیم است و تقریباً از زبان امروز مثالی ندارد. مبحث «وجه‌تردیدی و شرطی» کلا دستور تاریخی است و مبحث «نکته‌هایی درباره زبان فارسی» کلا دستور «تجویزی» درباره «درست گفتن» است - یعنی چگونه باید گفت و نه چگونه گفته می‌شود. تقسیم

کتاب شامل شش بخش است: دو بخش اول، که به منظور تعلیم دستور در دبیرستانها نوشته شده، بارها از طرف سازمان کتابهای درسی به چاپ رسیده است؛ بخش سوم در نحو فارسی، بخش چهارم درباره ریشه‌پسوند مصدر و تحول تاریخی آن، بخش پنجم شامل مقالاتی درباره بعضی نکات خاص دستوری به منظور تشخیص استعمال درست از نادرست، و بخش ششم در نکته‌های غیر فصیح و نازیبای نوشته‌های امروز است. همه مطالب چهار بخش اخیر قبلاً در مجله «سخن» و «مجله دانشکده ادبیات» به تدریج به چاپ رسیده و پاره‌ای از آنها مستقلاً نیز انتشار یافته است.

بدین گونه، «تعلیم قواعد فارسی امروز» همراه با «بحث در ساختمان جمله» در کنار مقاله «ریشه‌پسوند مصدر در زبان فارسی و تحول تاریخی آن» قرار

بندی اجزای کلام که ظاهراً از دستورهای سنتی ایرانی و فرانسوی گرفته شده نیز بر اساس روش مشخصی نیست. با وجود این، حرف ربط و حرف اضافه که وظایف متمایزی دارند یک بار (ص ۷۲ و ۷۶) زیر عنوان «حروف» یکجا آمده و «اصوات» را هم در برگرفته است، و جای دیگر (ص ۲۱۰) حرف و صوت دو نوع مستقل از انواع هفتگانه کلمات به شمار آمده است. مباحث مختلف دستوری نیز در حد معین و متناسب مطرح نشده است، چنان که بحث درباره مفعول با واسطه، تمیز، حال، شبه جمله، جمله‌های اسمی (بیفعل) متداول در زبان به کلی مسکوت مانده و درباره قید، حرف ربط، حرف اضافه و صوت به اجمال اشاره‌ای رفته است.

برخی از مفاهیم و اصطلاحات دستوری قدیم که ظاهراً با روش این کتاب سازگار نیست در آن راه یافته است. مثلاً در چند جا از «موصول» یاد شده (مثلاً ص ۳۲۷) و یک جا درباره آن چنین آمده است: «گاهی نیز پیش از که یای موصول می‌آید که در حکم صفت اشاره است» (ص ۲۵۵). حال آن که اولاً در سراسر کتاب مطلقاً بحثی درباره موصول نشده و ثانیاً در دستورهای سنتی هیچ جا سخنی از «یای موصول» نرفته بلکه معمولاً «که» و «چه» را موصول یا ضمیر موصول نامیده‌اند.

دستور زبان در وهله نخست به ساختمان زبان می‌پردازد و بنابراین باید بیشتر متکی به معیارهای صوری باشد تا معنایی. در این کتاب، سخن از اسم ذات و معنی و اسم عام و خاص رفته که مطلقاً جنبه معنایی، بدون هیچ گونه تمایز صوری، دارد. تقسیم‌بندی جمله به انواع خبری، تعجبی، امری، پرسشی با تأکید و تکرار آمده، ولی جمله‌های بیفعل فارسی (مثلاً «صبح به خیر»، «لطف شما زیاد»...) که جنبه ساختمانی مشخصتری دارند از نظر دور مانده‌اند. در شرح وجوه افعال و جمله‌های شرطی و تعریف جمله مرکب و پایه و پیرو، و همچنین انواع جمله پرسشی تأکیدی و پیوستگی جمله‌های مستقل، بیشتر به معنی توجه شده و تعریف ساختمانی (صوری) آنها، که به سادگی ممکن بوده، مورد غفلت قرار گرفته است.

نویسنده به عمد جمله‌هایی را شاهد مثال آورده که حتماً نهاد داشته باشد و نهاد حتماً پیش از گزاره آمده باشد و جمله‌ها حتماً دارای فعل باشد و فعل حتماً در پایان جمله آمده باشد. علاوه بر آن، تنها آن نوع از فعلهای متعددی که یک مفعول، آن هم مفعول «رایسی»، می‌گیرند در مثالها آمده است. مثالها نیز همیشه متداول یا فصیح نیست («برادر فریدون زیرک کتاب زیبای گلستان را آورد» - ص ۲۱۵).

اینک می‌پردازیم به نکته‌ها فرعی درباره هر یک از مباحث دستوری:

ضمیر - «هرگاه مقصود از ضمیر کسی باشد آن را ضمیر شخصی می‌خوانیم» (ص ۵۹). مقصود از ضمیر اشاره و ضمیر مشترک نیز اغلب کسی است ولی آن را ضمیر شخصی نمی‌خوانیم. این نوع ضمیر را از آن رو

شخصی خوانده‌اند که برای هر شخص (گوینده، شنونده، غایب) از مفرد و جمع، گونه‌ای جداگانه دارد. در صفحه ۲۱۱ به «ضمیر ملکی» اشاره شده است که مقصود از آن معلوم نیست، چون در هیچ کجای کتاب تعریف یا توضیحی درباره آن داده نمی‌شود. در مورد طرح «ضمیر مبهم» (مانند هیچ کس، همه کس، همه چیز، هر چیز و غیره - ص ۲۰۰ و ۲۰۱)، باید گفت که اولاً «مبهم» جنبه معنایی دارد نه صوری، ثانیاً این کلمات واحد تجزیه ناپذیر نیستند، ثالثاً «کس» و «چیز» و امثال آنها را باید اسم دانست نه ضمیر، زیرا می‌توانند نشانه جمع و نکره بگیرند (کسان، کسی) و صفت‌های «هر» و «آن» و «هیچ» و غیره بر سر آنها درآید و حال آن که این دو نکته در مورد ضمیر صدق نمی‌کند، مثلاً نمی‌توان گفت: «اوئی را دیدم» یا «هر اوئی می‌آید». کلمات «دیگری» و «دیگران» نیز در شمار ضمیر آمده‌اند، در حالی که اینها صفتی هستند که نشانه‌های اسم را پذیرفته‌اند و می‌توانند جانشین اسم شوند.

صفت - در جمله «بعضی دانش‌آموزان درس نمی‌خوانند» (ص ۱۸۲)، کلمه «بعضی» به عنوان «صفت مبهم» آمده است و حال آن که اسم مبهم است و در جمله مذکور مضاف و نکره است (صفات مبهم «هیچ» و «هر» و «همه» و «فلان» هستند). در صفحه ۱۹۴ می‌گوید: «صفت وابسته اسم است»، و بلافاصله اضافه می‌کند: «گاهی متمم صفت، خود صفت دیگری است: حسن بسیار دهنده». اولاً این دو جمله با هم تناقض دارند و ثانیاً در مواردی شبیه مثال بالا اکثر دستورنویسان کلمه «بسیار» را «قید صفت» نامیده‌اند. کلمه اسب در جمله «رخش معروفترین اسب است» (ص ۱۹۵) «متمم صفت برترین» به شمار آمده است و حال آن که «موصوف صفت برترین» است که معمولاً، به خلاف صفت مطلق، پس از صفت می‌آید (خود نویسنده هم در صفحه‌های ۱۸۹ و ۱۹۰ به موصوف بودن چنین اسمی اشاره کرده است).

متمم - عبارت «تهران در جمله «برادر من که سالها در سفر بود دیروز به تهران برگشت» (ص ۲۲۸) جمعاً «متمم فعل» به شمار آمده و چون عبارت از خانه (ص ۲۲۴) نیز به همین عنوان معرفی شده، یعنی حرف اضافه که به اصطلاح نقش نمای متمم و مستقل از متمم است جزو متمم به شمار آمده، باید گفت که این نظر هم با تعریفی که خود نویسنده از متمم داده («متمم فعل یک یا چند کلمه یا عبارتی است که با یکی از حروف اضافه به جمله می‌پیوندد» - ص ۸۱) و هم با تعریف «حروف اضافه» (ص ۹۹-۹۸) متناقض است. کلمه «ایرج» در جمله «احمد را با ایرج دیدم» (ص ۷۳) متمم اسم به شمار آمده که ظاهراً درست نمی‌نماید، چون بر طبق تعریف خود نویسنده از «متمم» (ص ۸۱)، چیزی به معنی «احمد» اضافه نکرده و توضیحی درباره آن نداده، بلکه درباره موقعیت یا نحوه «دیدن» توضیحی داده است و از این رو باید آن را «متمم فعل» دانست («بسا» در اینجا معیت و همراهی را می‌رساند).

قید - «قید کلمه‌ای است که چگونگی یا زمان یا مکان وقوع فعل را معین می‌کند» (ص ۹۸). این تعریف بسیاری از انواع قید، از جمله قید مقدار را در برنمی‌گیرد. از سوی دیگر، چون حرف اضافه همیشه بر سر اسم یا ضمیر می‌آید نه بر سر قید، پس «هنگام سحر» و «سالی» و «یک ساعت» را (ص ۲۲۸)، چه با حرف اضافه «به» و چه بدون آن، نمی‌توان قید شمرد و، طبق نظر خود نویسنده دربارهٔ متمم، باید آنها را اسم و در حکم متمم فعل دانست، چنان که کلمهٔ «دیروز» در جملهٔ «از دیروز هوا گرم شد» هم در شمار اسم آمده است (ص ۷۴).

حرف اضافه - نویسنده حرف «را» و «کسره» اضافه را «حرف نشانه» نامیده و در تعریف آن گفته است: «حرف نشانه به کلماتی می‌گوییم که برای تعیین مقام کلمه در ساختمان جمله به کار می‌روند» (ص ۷۸ - و مشابه آن در ص ۹۹). با توجه به تعریف حرف اضافه و متمم (ص ۹۹-۹۸)، حرف نشانه نیز مقام کلمه را در ساختمان جمله نشان می‌دهد. پس تفاوت «را» و «کسره» اضافه با «حروف اضافه» در ماهیت آنها نیست، بلکه تنها در محل استعمال آنهاست. کلمات پیش در جملهٔ «فریدون پیش من آمد» (۷۴) و روی در جملهٔ «آبپاش ایرج را روی گلیم سیاه گذاشتم» (ص ۲۱۳) جزو حروف اضافه به شمار آمده‌اند (ص ۲۱۴) و حال آن که عبارات «پیش من» و «روی گلیم» جمعاً متمم فعل هستند که از نقش نمای «به» و «بر» بی‌نیاز شده‌اند و بنابراین، به خلاف نظر بعضی دستورنویسان، کلمات «پیش»، «روی»، «کنار»، «بالای» و غیره را باید اسمیایی دانست که در این حال مضاف هستند و حرف اضافه «به» یا «بر» و غیره از ابتدای آنها حذف شده است.

حرف ربط - حرف یا در جملهٔ «فرشته یا خواهرش نزد ما آمد» (ص ۷۲) همانند حرف و در جملهٔ «من و فریدون به گردش رفتیم» (ص ۷۲) در شمار حروف ربط آمده است، و حال آنکه «یا» حرف اضافه است، زیرا اولاً اگر حرف ربط می‌بود می‌بایست فعل آن، همچنان که در مثال دوم، به صورت جمع بیاید و ثانیاً اگر به جای «خواهرش» عبارت دیگری مانند «کتابش» بگذاریم در متمم بودن آن تردیدی نخواهد ماند (رجوع شود به: محمد رضا باطنی، «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی»، ص ۱۰۴).

مثال «اتاق روشن شد، زیرا که شمع را افروختم» (ص ۱۴۰) در حکم «شمع را افروختم و اتاق روشن شد» آمده، یعنی در آن دو جملهٔ «مستقل» تشخیص داده شده است. اما «زیرا که» معادل «و» و امثال آن نیست تا دو جملهٔ مستقل را به هم پیوند دهد، بلکه همیشه جملهٔ دوم را پیرو جملهٔ اول می‌کند و طبق معیارهای همین کتاب برای شناختن جملهٔ پیرو، می‌توانیم آن را به صورت یک گروه اسمی متمم در جملهٔ پایه بیاوریم: «به علت افروختن شمع، اتاق روشن شد». پس «زیرا (که)» و «چرا که» را باید حرف ربط پیرو ساز نظیر «چون» و «که» دانست. در همین مبحث حرف ربط، سخن از جمله‌های «کامل» به میان آمده که حرف ربط آنها را به هم

می‌پیوندند (ص ۹۹). مقصود از «جملهٔ کامل» روشن نشدن در جای دیگر آمده است که بیشتر حرف ربطها «دو جمله ناقص» را به هم می‌پیوندند (ص ۱۳۷). آیا جمله ناقص نوعی از جملهٔ کامل است؟

اصوات - حرف «ندا» یک بار جزو اصوات، که «برای بیان حالات روحی گوینده» (ص ۷۷) به کار می‌روند، آمده و یک بار در دستهٔ دیگر که «نشانهٔ مقام کلمه در جمله می‌باشند» (همان صفحه و نیز ص ۲۱۲-۲۱۱). اما علامت ندا را نمی‌توان از اصوات دانست، زیرا اولاً حالت روحی گوینده را بیان نمی‌کند و ثانیاً همیشه با متادا همراه است، در حالی که صوت لازم نیست که با اسمی همراه باشد. از طرف دیگر، کلماتی از قبیل «آفرین»، «افسوس»، «دریغ»، «درد»، «خوش»، «خداپا» و غیره را به خلاف نظر نویسنده (ص ۱۱۹) نمی‌توان از اصوات دانست و اطلاق «شبه جمله» بر آنها مناسبتر است، زیرا هر یک از آنها یا باز مانده از جمله‌ای هستند که بخشی از آن به قرینه‌ای حذف شده است و یا می‌توان آنها را به صورت جملهٔ کاملی در آورد؛ نیز به تنهایی دارای معنی قاطع و مشخصی هستند و در یکی از طبقات دستوری قرار می‌گیرند، در حالی که اصوات (از قبیل «و»، «به»، «آخ»، «هیس»، «اوه») به تنهایی معنی مشخصی ندارند و معنی دقیق آنها از موقعیت خاص گوینده و طرز ادای آنها شناخته می‌شود و از طرف دیگر، نه هرگز به صورت جملهٔ فعل داری بوده‌اند و نه هرگز می‌توان آنها را به چنین جمله‌ای در آورد.

فعل - در تعریف فعل متعدی چنین آمده است: «فعلیایی را که برای تکمیل معنی آنها باید کلمهٔ دیگری آورد متعدی می‌نامیم» (ص ۷۹). و حال آن که، طبق نظر نویسنده در جای دیگر همین کتاب (ص ۲۳۷)، برای تکمیل فعل ربطی هم کلمهٔ دیگری، یعنی مسند، لازم است. پس بهتر است گفته شود: «فعلیایی کنشی را، هرگاه برای تکمیل معنی به کلمهٔ دیگری نیازمند باشند، متعدی می‌نامیم». در تعریف فعل مجهول گفته شده است که فعل به مفعول نسبت داده می‌شود و قاعداً آن معلوم نیست (ص ۸۴). اگر جنبهٔ ساختمانی جمله و نه جنبهٔ معنایی آن را در نظر بگیریم باید گفت که فعل مجهول همیشه قاعداً صوری دارد و حتی قاعداً معنایی هم می‌تواند داشته باشد: «کتاب به وسیلهٔ احمد از روی میز بر داشته شد». بنابراین شاید این تعریف مناسبتر باشد: فعل مجهول آن است که از صفت مفعولی یک مصدر متعدی به علاوهٔ زمان مورد نظر از مصدر «شدن» یا مترادفات آن ساخته شده باشد. در مورد «وجه التزامی» گفته شده است که استعمال آن در صورتی است که واقع شدن فعل مسلم نباشد (ص ۱۴۲). اما اولاً گوینده ممکن است وقوع کاری محال را مسلم بداند و آن را به وجه اخباری بگوید یا وقوع کاری حتمی الوقوع را محتمل الوقوع پندارد و آن را به صورت التزامی بگوید، ثانیاً در بسیاری از مواقع، فعلیایی که وقوع آنها برای گوینده مسلم نیست، یعنی با آرزو یا شرط همراه است، نه به وجه التزامی بلکه به وجه اخباری می‌آیند، مانند: کاش او به خانه ما می‌آمد؛ اگر

پشت گوشت را دیدی او را هم خواهی دید. از طرف دیگر در مورد فعل التزامی گفته شده است که «همیشه در جمله پیرو به‌کار می‌رود» (ص ۱۴۵) و «همیشه دنبال فعل دیگر می‌آید» (ص ۱۴۲) و «هرگز در جمله پایه به کار نمی‌رود» (ص ۱۴۳)، حال آن که فعل التزامی می‌تواند هم در جمله‌های مستقل به‌کار رود (کاش او را ببینم؛ آیا او هم بیاید؟) و هم در جمله پایه (من بروم او را بیاورم؟). پس می‌بایست گفته شود: «فعلی که از وجه التزامی است در جمله آرزویی و پرسشی و پیرو به‌کار می‌رود». به علاوه، پیرو و پایه بودن نسبی است. ممکن است جمله‌ای که پیرو جمله قبلی است خودش پایه جمله بعدی و فعل آن از وجه التزامی باشد، مانند: دلم می‌خواهد (که بروم تا) او را ببینم.

نویسنده یک‌بار می‌گوید که وجه اخباری هنگامی به‌کار می‌رود که گوینده به وقوع فعل یقین دارد (ص ۱۴۲) و بار دیگر در بحث از جمله شرطی می‌گوید که «انجام یافتن فعل پایه مسلم نیست» (ص ۱۴۷ و ۱۵۱) و در عین حال فعل پایه جمله شرطی از وجه اخباری است (ص ۱۵۰)؛ و این تناقض دارد، زیرا از طرفی وقوع فعل وجه اخباری مسلم است و از طرف دیگر نامسلم! به علاوه، فعل پایه جمله شرطی، یعنی جواب شرط، نیز لازم نیست که حتماً از وجه اخباری (یا امری) باشد و چنان‌که دیدیم در حالت پرسشی می‌تواند از وجه التزامی باشد، مثال: اگر خودش اظهار پشیمانی کرد آیا باز هم او را سرزنش کنم؟

در مورد وجه امری، شاید به شیوه دستور زبان فرانسه، گفته شده است که برخلاف زمانهای وجوه دیگر، سه صیغه بیشتر ندارد (ص ۱۲۳)، اما به نظر می‌آید که باید برای وجه امری همان شش صیغه را قائل شد، چون هیچ دلیل قاطع صوری یا معنایی وجود ندارد که به موجب آن صیغه‌های «بنویسم، بنویسد، بنویسند» را از صیغه‌های «بنویس، بنویسید، بنویسند» جدا بدانیم.

مفعول - در تعریف مفعول، به شیوه اغلب دستوری

های سنتی، چنین آمده است: «مفعول کسی یا چیزی است که فعل بر او واقع شده یا اثر فعل به او رسیده است» (ص ۲۳۸). این تعریف با آنچه در این کتاب مفعول شناخته شده مطابقت تام ندارد، زیرا اولاً معنایی است و باید نخست «واقع شدن فعل» و «رسیدن اثر فعل» به کسی یا چیزی دقیقاً روشن شود تا بتوان آن را بر مواردش منطبق ساخت، ثانیاً مفعولهای با واسطه را هم شامل می‌شود که اغلب در فعلهای مرکب (مثل «کتک زدن») و فعلهای دو مفعولی (مثل «گفتن») به کمک حرف اضافه «به» یا «از» می‌آیند و با متمم فرق دارند. برای همین است که در این کتاب در بحث از مفعول (ص ۶۲ به بعد) همه‌جا مفعول یا همراه «راه آمده یا به طور مجرد (هرچند که استعمال «راه» نیز ممکن بوده است)، و کوشش شده است تا فعلهایی شاهد مثال آورده شود که مفعول با واسطه نخواهد، و از همین روست که در بحث از متمم نیز به این‌گونه مفعولها بر نمی‌خوریم. اگر تعریف معنایی لازم و متعدی و مفعول را بپذیریم باید به دو گونه مفعول، یکی «رایبی» و دیگری «غیر رایبی» قایل

شویم، ولی اگر مفعول «غیر رایبی» را متمم به‌شمار آوریم باید تعریف معنایی را به تعریف ساختمانی و صوری بدل کنیم، بدین‌گونه: مفعول کلمه‌ای است که با نشانه «راه» می‌آید و متمم اسم یا ضمیری است که پیش از آن حرف اضافه می‌آید.

جمله - به خلاف نظر نویسنده که «در جمله امری، نهاد همیشه محذوف است» (۱۲۲)، باید گفت که این حکم جنبه کلی ندارد، چنان که در این مثال: تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد.

حرف «که» گاهی بدون هیچ نقشی در میان اجزای جمله می‌آید: من که رفتم؛ ما که اهلش نیستیم. این «که»، که بدون تغییر ساختمان یا معنای جمله می‌توان آن را حذف کرد، جنبه تأکیدی دارد و بنا بر این به خلاف نظر نویسنده در مثال «چه رنجها که کشیدم» (ص ۱۱۸) حرف ربط نیست و عمل پیوند جمله پیرو به پایه را انجام نمی‌دهد. از طرف دیگر، حرف ربط جزئی از جمله نیست، بلکه به اصطلاح «نقش‌نامه‌ای آن است، یعنی نقش جمله‌ای را که بر سر آن درآمده است نشان می‌دهد. بنا بر این، به خلاف نظر نویسنده، حرف ربط «تا» و امثال آن جمله مستقل را به جمله ناقص تبدیل نمی‌کند (ص ۱۴۱-۱۴۰)، بلکه جمله پیرو را وابسته جمله پایه می‌سازد. اصولاً اصطلاحات «مستقل» و «غیرمستقل» یا «ناقص» غیر ضروری می‌نماید و پرهیز از آنها یادگیری را آسانتر و طرح مطلب را ساده‌تر می‌کند. وانگهی شناختن جمله پایه با این تعریف که «غرض‌گوینده بیان معنی آن است» (ص ۱۲۸) و شناختن جمله پیرو با این تعریف که «برای تکمیل معنی جمله پایه می‌آید» (همان صفحه) بسیار دشوار بلکه محال است، خاصه هنگامی که جمله پیرو نقش متممی غرض و هدف را برعهده داشته باشد، چنان که در این مثال: به کتابخانه رفتم که کتاب را بگیرم. بنا بر این بهتر است به تعریف صوری پرداخت، مثلاً: «جمله پیرو آن است که حرف ربط وابستگی بر سر آن آمده باشد یا بتوان آورد» یا «جمله پیرو آن است که بتوان آن را به صورت یک گروه اسمی، به‌عنوان متمم یا مفعول یا نهاد، در جمله پایه در آورد».

اگر نویسنده از ملاکهای صوری استفاده می‌کرد و این همه در بند پیچ و خمهای معنایی نمی‌ماند در این جمله مرکب «اتفاق افتاد که او را دیدم» (ص ۲۵۶) به سادگی می‌توانست یک جمله پایه «اتفاق افتاد» و یک جمله پیرو («او را دیدم») همراه حرف ربط وابستگی، معادل حرف اضافه برای متمم، تشخیص دهد و چنین توضیح دهد که در این جا جمله پیرو پس از تبدیل به گروه اسمی، نقش نهادی جمله پایه را به عهده می‌گیرد: «اتفاق افتاد که او را دیدم - دیدار من با او اتفاق افتاد»، و نه آن‌که بگوید: فراگرد پایه «او را دیدم» است.

نارساییها و تناقضهای این کتاب در وهله نخست ناشی از همین معیارهای معنایی است و در وهله بعد ناشی از اختلاف گونه‌های مختلف زبان قدیم و جدید و شعر و نثر و عدم تناسب میان حجم و اهمیت مباحث دستوری. □

جی. سی. کویاجی: آیینها و افسانه‌های ایران و چین باستان
ترجمه جلیل دوستخواه، کتابهای جیبی، ۲۴۷ ص، ۱۶۰/۲۲۰ ریال.

تحقیقی در منشاء قدیمترین اساطیر ایرانی و سکاکی و چینی و احياناً هندی و بابلی، خاصه بررسی منابع «شاهنامه»، بیشتر در زمینه انسان‌شناختی و نه فقط ادبی یا تاریخی. بنابراین عنوان کتاب گویای همه مطالب آن نیست. لازم برای مطالعه هر کس که به پیدایش نخستین افسانه‌های ایرانی و سیر تحول آنها تا آیینهای مذهبی و عرفانی و حماسه‌ها و حتی قصه‌های عامیانه علاقه‌مند است. از مترجمی متخصص در اوستا و شاهنامه، ولی نه همیشه وفادار به متن اصلی، با نثری ساده و سلیس.

هانری کورین: تاریخ فلسفه اسلامی

ترجمه اسدالله مبشری، امیرکبیر، ۴۰۴ ص، ۲۶۰/۲۸۰ ریال.

شایان توجه از سه جهت: ۱) برخلاف کتابهای دیگر این زمینه «تاریخ فلسفه» است و «تاریخ فلاسفه»؛ ۲) نویسنده به سهم فلاسفه شیعه (ائاشری و اسماعیلی) در میراث فلسفی اسلام توجه می‌کند و آن را سهم عمده می‌شناسد؛ ۳) مقدمه و تعلیقات مترجم پاره‌ای از مسائل را روشن می‌کند و بسیاری از مأخذ مؤلف را نشان می‌دهد. کیفیت ترجمه متن نکات قابل تأمل دارد.

فدریکو گارسیالورکا: گزیده‌ی اشعار فدریکو گارسیالورکا
ترجمه یدالله رؤیایی؛ و دیگران، امیرکبیر، ۶۱۱ ص، ۳۴۰ ریال.

برگزیده‌ای از شعرهای متفاوت از کتابهای گوناگون این شاعر اسپانیایی. محصول دسته‌جمعی چند مترجم که ظاهراً اسلوب خاصی در ترجمه و نوشتن دارند. در بسیاری موارد فامقربوتر و پیچیده‌تر از اصل که روشن و ساده است.

جری کوزینسکی: حضور

ترجمه اسمعیل صارمی، ناشر؟ ۱۳۹ ص، ۱۵۰ ریال.

همان‌طور که «ساده‌دل» ولتر از جنگلی وحشی به‌دنیای «متمدن» قرن هفدهم می‌آید تا با مفاسد جهان روبه‌رو شود و آنها را بر ملا کند، یک باغبان ساده لوح (به معنای «لوح ساده») از قلب تمدن (آمریکا) سر برمی‌آورد و با مفاسد قرن بیستم روبه‌رو می‌شود، ولی به‌عکس ساده دل ولتر نمی‌کوشد تا خود را به این جهان نزدیک کند، بلکه جهان است که می‌کوشد تا به او نزدیک شود - و در بماند. مضحکه‌ای از زرد و بندهای سیاسی و دیگر قضایا (از جمله، طبق معمول، صحنه‌های جنسی) و در آخر رسوایی تکنوکراسی در برخورد با ذهن ابتدایی. این لااقل نیت نویسنده است. ولی آیا موفق شده است؟ در سرلوحه کتاب اشعاری از حافظ و مولوی به‌استشهاد آمده است که گویا افزوده مترجم باشد و همراه با مقدمه او رنگی از عرفان به کتاب می‌زند. کتاب در اصل چنین رنگی ندارد.

سیلویا پلات: شیشه

ترجمه گللی امامی، نیل، ۲۳۲ ص، ۱۶۰ ریال.

داستان زندگی دختر باهوش و موفقی است که در تماس بیشتر با واقعیت روزمره و تجربه عشق کارش به ناامیدی و خودکشی می‌رسد. سیلویا پلات نیز در ۳۱ سالگی یعنی یک سال بعد از تمام کردن این کتاب خودکشی کرد. دو تعمایه کتاب انتظار معجزه‌ایست که هر آن به تعویق می‌افتد و نویسنده می‌خواهد باینه‌بردن به واقعیت باورنکردنی مرگ ایجاد معجزه را به زندگی بازگرداند، تلاش روح دختر جوانی است که در هر قدم چیزی او را از باورداشتن مطلق و دوست داشتن مطلق و خوشبخت بودن مطلق جدا می‌کند. این همان حباب نامرئی است که گویی دیگران آن را نمی‌بینند. (می‌توان عنوان انگلیسی کتاب را به جای شیشه بطور دقیق‌تر «حباب شیشه‌ای» ترجمه کرد). در ترجمه کتاب روح آن به خوبی حفظ شده است.

ولادیمیر پوزنر: ایالات نامتعده، چ ۲

ترجمه محمدقاضی، خوارزمی، ۲۸۷ ص، ۱۶۵ ریال.

ریرتاز مفصلی که در آن ایالات متحده آمریکا به صورت جهنم وحشتناکی از بی‌قانونی و ستم و جنایت و حق‌کشی تصویر می‌شود. این‌که آیا در کنار این جهنم بهشتی هم وجود دارد یا نه، مطلبی است که این کتاب از آن خبری نمی‌دهد. ممتاز به ترجمه روان و شیرین محمد قاضی.

میرزا ابوطالب‌خان اصفهانی: مسیر طالبی

به‌کوشش حسین خدیوچم، کتابهای جیبی، ۵۰۱ ص، مصور، ۴۵۰ ریال.

سفرنامه مردی ایرانی که در هند به دنیا آمد و در فاصله سالهای ۱۲۱۳ و ۱۲۱۸ ه ق در شرق و غرب سفر کرده است که خواننده را با اوضاع و آداب گذشته چند کشور از جمله انگلستان، فرانسه، ایتالیا، عثمانیه، و نواحی عتبات آشنا می‌کند. لحن گزارش بسیار صادقانه است، و در عین حال مشاهدات نویسنده از قلمرو ظواهر فراتر می‌رود و گاهی به عمق روحیات و رسوم اقوام راه می‌یابد. دارای فهرست راهنمای بسیار مفید و مجموعه جالبی از اماکن قدیمی شهرهای انگلستان.

سامرست موام: درباره رمان و داستان کوتاه، چ ۲

ترجمه کاوه دهگان، کتابهای جیبی، ۲۸۰ ص، ۲۵۰/۳۰۰ ریال.

بحثی جذاب، و احياناً طنزآمیز، درباره ده‌ها از بهترین رمانهای جهان، با مقدمه‌ای درباره دلایل انتخاب آنها و مؤخره‌ای مستخرج از کتاب دیگری از همین نویسنده درباره داستان کوتاه (که در چاپ دوم این کتاب، ترجمه و به آن افزوده شده است). نقد و تحلیل مهمترین آثار داستانی، چه بلند و چه کوتاه، یک قرن و نیم اخیر مغرب‌زمین و شرح حال نویسندگان آنها و جای جای، بحثی درباره راه و رسم نویسندگی، قابل فهم برای همه‌کس و نه فقط اهل فن. با زبانی ساده و ترجمه‌ای روان.

سیمون دوبوار: نقد حکمت عامیانه

ترجمه مصطفی رحیمی، انتشارات آگاه، ۱۱۵ صفحه، ۷۵ ریال.

بخش روشن و ساده درباره پیچیده ترین مسائل اخلاقی، ادبی، هنری و سیاسی امروز جهان، بر این اساس که فلسفه نخست طرح مسائل اساسی بشری است و نه همیشه حل آنها. شامل چهارمقاله ظاهراً مجزا اما درحقیقت بهم پیوسته، به قلم یکی از بزرگترین صاحب نظران و شارحان فلسفه اگزیستانسیالیسم، با ترجمه ای دقیق و روان.

علی بن شمس الدین... لاهیجی: تاریخ خانی

تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ، ۴۶۱ ص، ۳۰۰ ریال

شرح حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ ه ق که در سالهای ۹۲۲/۹۲۱ نوشته شده است. به قول مرحوم علامه قزوینی قدیمترین تصنیفی است که در آن اوایل کار شاه اسماعیل صفوی و اقامت او در گیلان پیش از خروج یاد شده و جزئیاتی درباره این دوره از زندگی شاه اسماعیل دارد که در هیچ جا یافت نمی شود. کتاب از نظر مردم شناسی، جامعه شناسی و گویش شناسی نیز فواید و مزایایی در بر دارد.

محمدجعفر جعفری لنگرودی: عقد ضمان

کتابهای جیبی، ۴۳۵ ص، ۲۹۰/۳۵۰ ریال.

تحقیقی در ۸ بخش و ۱۴ فصل درباره مسائل مربوط به تبدیل تعهد و انتقال دین و مقایسه ضمان باین دو موضوع، و انتقال طلب و فرق ضمان با حواله، و اقسام بیست و شش گانه ضمان و ارکان عقد ضمان و بسیاری مسائل دیگر از این قبیل. مآخذ مؤلف از حیث کتب مهم فقه و حدیث شیعه و اهل سنت بسیار غنی است. اثر مؤلفی دارای آثار معتبر در زمینه های حقوقی و قضایی.

گوستاو یانوش: گفتگو با کافکا

ترجمه فرامرز بهزاد، خوارزمی، ۲۷۱ ص، ۱۷۵ ریال.

خاطرات جوان هفده ساله ای که در آخرین سالهای زندگی فرانتس کافکا با او دوست بوده است و با صداقت و روشنی لحظاتی از احوال و نمونه هایی از نظریات نویسنده معروف را در باره جهان و زندگی و هنر ثبت کرده است با ترجمه ای پاکیزه. مفید برای شناسایی بهتر نویسنده ای که خوانندگان فارسی زبان داستانهای او را در ترجمه های خوب و بد بسیار خوانده اند.

شناخت شاهکارهای فرش ایران، شرکت سهامی فرش

ایران، اسفند ۱۳۵۱، مصور، ۱۶۰۰ ریال.

مجموعه ای از عکسهای رنگی یکصد تخته قالی ایرانی، بدون هیچ ترتیب خاصی، از مشهد گرفته تا اردبیل و از تهران گرفته تا آباد، با مشخصات هر کدام به فارسی و انگلیسی در پشت هر تصویر، در مقدمه کتاب گفته شده است که هدف از نشر آن، ضبط و تکثیر تصاویر قالیهای نفیس است به قصد گرفتن سفارش برای آن نوع بافت و از این راه به حفظ و بقاء اصیلترین نقشه ها، چاپ تصاویر به وسیله چاپخانه رخ با دقت و استادی فراوان انجام گرفته است.

امیل بریه: تاریخ فلسفه در دوره یونانی

ترجمه علی مراد داودی، دانشگاه تهران، ج ۱: ۳۸۹ ص، ۳۲۰ ریال.

معروفترین کتاب تاریخ فلسفه به شیوه «کلاسیک» که می گوشت تا هرفلسوفی را در قرن خودش قرار دهد و مشرب او را از دید همان زمان باز نماید و در عین حال سیر عقاید فلسفی و پیوند آنها را در طول تاریخ دنبال کند. جلد اول، شامل حکمای پیش از سقراط تا پایان دوره ارسطو، از سلسله مجلداتی که قرار است تدریجاً ترجمه و منتشر شود و بدین ترتیب مفصلترین تاریخ فلسفه در زبان فارسی خواهد شد، از مترجمی دقیق و امین و دارای «وجدان کار». همراه واژه نامه اصطلاحات فلسفی و معادل آنها به فارسی. دانشجوی فلسفه می تواند این کتاب را پس از «سیر حکمت در اروپا»ی فروغی و پیش از «تاریخ فلسفه غرب» راسل مطالعه کند.

محمدعلی اسلامی ندوشن: صغیر سیمرخ
توس، ۳۰۰ ص، مصور، ۱۰۰ ریال.

یادداشتهای سفر نویسنده به ممالک متحده آمریکا، افغانستان، دانمارک، ترکیه و پاریس، و همچنین نیشابور و اصفهان. «یادداشت های سفر» غالباً، و به خصوص در مورد سفر آمریکا، جنبه تحقیقی دارد. سفر به نیشابور نیز موقعیتی بوده تا نویسنده بتواند بین ترانه های خیام و سرنوشت عبرت انگیز نیشابور رابطه ای را جستجو کند. در مورد دانمارک از آزادی بیحدجنسی به تفصیل نگوشت شده است. در یادداشتهای مربوط به افغانستان و ترکیه علاقه دلپذیری به گذشته فرهنگ ایران موج می زند.

ژان پل سارتر: نکراسوفی، ج ۲

ترجمه قاسم صنعوی، پیام، ۳۰۵ ص، ۱۵۰ ریال.

منتشر به سال ۱۹۵۵، از نمایشنامه های معروف به درجه دوم، نویسنده، گویای عقاید سیاسی او در آن زمان و متضمن طرح نمایشی یکی از مضامین اصلی همه آثار او: تقلب با خود و با دیگران. شیادی و رشکسته در آستانه خودکشی آلت دست سرمایه داران قرار می گیرد تا خاطرات دروغینی بر ضد اروپای شرقی منتشر کند. مضحکه ای از دسایس سیاستمداران و پلیس و احزاب راست و خرده بورژواها و مطبوعات کنیرالانتشار.

محمد روشن (به کوشش): مشروطه گیلان

رشت، طاعتی، ۱۹۶ ص، ۲۱۰ ریال.

شامل دو قسمت: ۱) یادداشتهای رایینو درباره وقایع گیلان و بیشتر رشت طی سالهای سلطنت محمدعلی شاه و استبداد صغیر و پیروزی مجاهدان و خلع محمدعلی شاه از سلطنت که در این دوره رشت از مراکز مهم فعالیت مشروطه خواهان بوده است. همین یادداشتها بود که شادروان کسروی وجود آنها را حدس می زد و آرزوی انتشار آنها را داشت. ۲) تفصیل وقایع مشهد در سال ۱۳۳۰ ه ق (۱۹۱۲ م) و جریان به توپ بسته شدن گنبد مطهر امام رضا (ع) به وسیله روسها. این یادداشتها را دکتر احمدخان نامی در فوریه ۱۹۱۲ م برای ادوارد براون فرستاده بود.

شرح جامع احوال و آثار رایینو نیز از دو مأخذ نقل شده است.